

آشنایی با شیوه تصحیح مرحوم جلال الدین همایی در کتاب التفهیم

تنظیم: محمود نظری

دست دارد، نه این که مانند بسیاری از کتب چاپ شده اغلاطی بر اغلاط نسخ خطی و رنجی بر رنج‌های خوانندگان برافزاید.

علمای مذهبی گذشته ما یعنی ارباب فقه و حدیث و تفسیر غالباً در تصحیح و استنساخ، این سنت را داشتند که کتاب را پیش مشایخ و استادان فن به طریق قرائت یا سماع و غیره تصحیح می‌کردند و اجازه نقل و روایت می‌گرفتند و در نقل و تصحیح کتاب امانت علمی و تقوای مذهبی به خرج می‌دادند.^(۱)

اما برخی از معاصران معتقدند که باید قدیمی‌ترین نسخه‌ها را که در دست مصحح است هر چند غلطش واضح باشد عیناً در متن و نسخه بدل‌های لازم را در حواشی ثبت و از نسخه بدل‌های مغلوط صرف نظر کرد. و بعضی معتقدند که باید تمام نسخه بدل‌ها را حتی جایی که تحریف و غلطش واضح باشد در حواشی ثبت نمود. و این طریقه معمول بیشتر مستشرقان است که چون از دقایق و لطایف زبان‌های شرقی مانند یک نفر اهل زبان به خوبی اطلاع ندارند، در هر نسخه‌ای احتمال صحت می‌دهند. نگارنده در تصحیح کتاب تفهیم این روش را پیش گرفتیم که:

نخستین بار از روی نسخه اختصاصی خودم که به علامت (حص) ممتاز است، به دقت هر چه تمام‌تر یک نسخه رونویس و کاملاً با اصل مقابله کردم و آن را اساس متن قرار داده مشغول مقابله و ضبط اختلافات نسخ دیگر شدم. مقابله با نسخه (خ) نزدیک به پایان رسیده بود که نسخه (خد) * به دستم افتاد. چون این نسخه قدیمی‌تر و کامل‌تر از همه نسخه‌های ما بود آن را بر همه مقدم داشتم و در معنی این نسخه را اساس متن قرار دادم و نخست با نسخ فارسی، آنگاه با دو نسخه عربی از اول تا آخر چند بار مقابله و همه افتادگی‌ها و نسخه بدل‌های فارسی و قرائن تایید یک نسخه را از روی

اشاره: چگونگی تصحیح کتاب عنوان بخشی از مقدمه مفصل مرحوم همایی بر کتاب ارزشمند التفهیم لاوائل صناعة التفهیم تألیف ابوریحان بیرونی است که مصحح شیوه تصحیح خود در این کتاب را در آن بیان کرده و حاوی نکات سودمندی است که عیناً برای علاقه‌مندان به تصحیح نسخ خطی ارائه می‌گردد:

مقصود از تصحیح کتاب به عقیده من، مقابله کردن چند نسخه و نوشتن نسخه بدل‌ها و اختلافات نسخ در حواشی نیست؛ چه خواننده در این حال، عیناً حال خود مصحح را دارد که چند نسخه مختلف در مقابل خود می‌بیند، با این تفاوت که به واسطه علامت‌ها و راده‌ها در متن و حواشی سرگردان شده، و معلوم نیست که شخص مصحح نسخه‌ها را چه طور خوانده و کلمات را چگونه حذف و ایصال کرده و کدام را خطا و کدام را صواب دانسته است. در صورتی که اگر خود نسخه‌ها پیش چشم خواننده بود؛ شاید خود بهتر از عهده تصحیح و فهم مطلب بر می‌آمد.

تصحیح حقیقی آن است که کار به دست کارشناس و اهل خبرت بیفتد تا به واسطه احاطه و مهارتی که در فن دارد؛ بتواند صحت و سقم مطالب و عبارات و همچنین صحیح و مغلوط [بودن] نسخه‌های متعدد را تشخیص بدهد، و آن گاه از روی چند نسخه که مناط اعتبار می‌باشد یا به حدس صائب خویش که از کثرت ممارست و تمرین در کار حاصل شده و مقرون به دلائل و امارات کافی است کتابی را تصحیح کرده، در دسترس خوانندگان بگذارد و بار زحمت و رنج تتبع و حیرت و دچار شدن به اغلاط نسخه‌ها را از دوش دیگران بردارد، و اگر خواننده را کاملاً خاطر جمع و از دیگر نسخه‌هایی نیاز نمی‌سازد، لااقل او را مطمئن کند که صحیح‌ترین و کامل‌ترین نسخ را در

را با اسلوب و ترتیبی که در آخر کتاب توضیح داده‌ام ملحق به کتاب ساختم (ص ۵۷۲-۶۶۸).

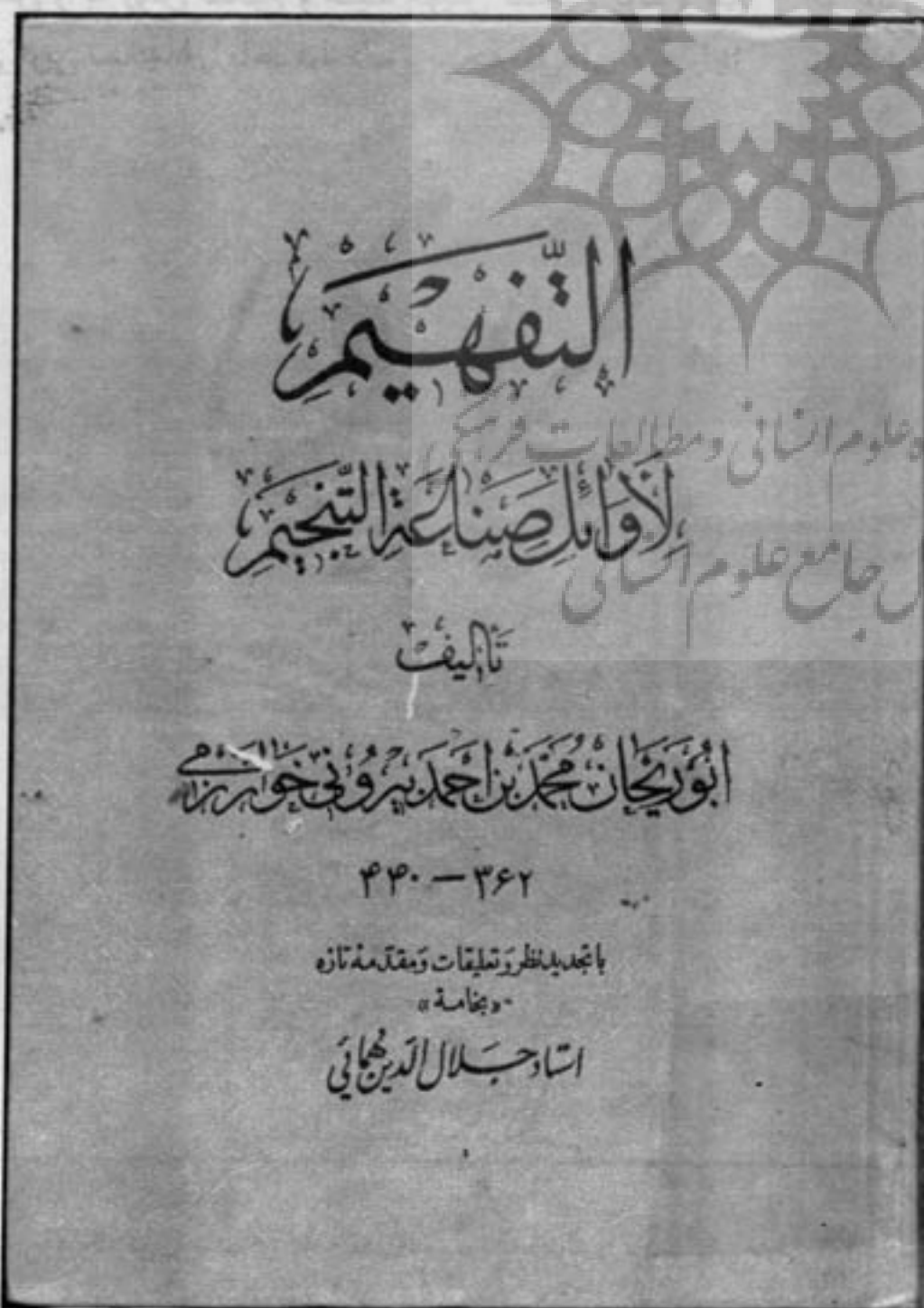
افتادگی‌های نسخ که پیش گفتم، خوشبختانه از یک موضع نبود، از این جهت کتاب بی عیب و نقص از کار درآمد و غالباً از روی نسخه (خد) تکمیل شد.

بالجمله متن کتاب حاضر بیشتر از روی نسخه (خد) که تاریخ کتابت آن ۵۳۸ هجری قمری است و بعد از آن نسخه (حص) که تاریخش ۵۳۹ هجری قمری است، و سپس دیگر نسخه‌ها که در سابق تعریف کردم چاپ شده به این ترتیب که هر چه کامل‌تر و صحیح‌تر بوده است در متن گذارده و نسخه بدل‌ها را در حواشی یا ملحقات کتاب با قرائن و دلائل صحت متن ثبت کرده‌ام.

و اگر همه نسخه‌ها مغلوط و صحیح چیز دیگر بوده است که از روی نسخه عربی و دیگر کتب خود استاد یا از روی قواعد فنی یافته‌ام باز صحیح را در متن و دیگر نسخه‌ها را در حاشیه نقل کرده و دلائل تصحیف و تحریف نسخ را نوشته‌ام.

نسخه‌های عربی در حواشی نسخه پاکنویس شده خود و صفحات سفیدی که مقابل هر صفحه‌ای بازگذارده بودم و روی اوراق جداگانه ثبت کردم و نزدیک دو ثلث از تفهیم عربی کم کم نوشته شد.

آنگاه که این نسخه حاضر شد دست به کار تصحیح زدم و از روی نسخه‌های فارسی و عربی و با مراجعه به کتب خود استاد (ابوریحان بیرونی) و دیگر علمای فن، مجدداً نسخه کاملی با تصحیح پاکنویس کردم و نسخه بدل‌ها را دو قسمت ساختم، قسمت لازم را در حواشی خود کتاب و باقی را در نسخه بدل‌های ملحق به کتاب نوشتم و پس از آنکه نسخه به این صورت آماده و پاکنویس شد آن را به مطبعه فرستادم. هنگامی که چاپ کتاب به باب اسطرلاب رسیده بود نسخه (س) به دستم افتاد. از این جا تا آخر کتاب را با این نسخه نیز مقابله و نسخه بدل‌های لازم را در حواشی نقل کردم. و پس از آنکه طبع کتاب به نهایت رسید کار را از سر گرفته از اول کتاب با این نسخه هم مقابله کردم و اختلافات آن را با متن به ضمیمه دیگر نسخه بدل‌های باقی نسخه‌ها که در حواشی ثبت نکرده بودم همه



تصویر ابوریحان بیرونی که وزارت سحر، فرهنگ و میراث را برقرار کرده است.

*جناب آقای کاشانی سردبیر محترم نامه بهارستان دو نکته را در مورد این اثر تذکر دادند یکی آنکه مرحوم همایی در ابتدای مقدمه خویش بر این کتاب راجع به چگونگی بدست آوردن این نسخه مطلبی را نوشتند که جالب و خواندنی است. دیگر آنکه نسخه مذکور بعدها به تملک کتابخانه مجلس درآمد و بعدها به قدیمی‌ترین نسخه التفهیم اشتهار یافت.

۲۲
تکمیل کتاب

دلایل تصحیح من در درجه اول نسخه‌های فارسی و در مرحله دوم نسخ عربی این کتاب و در درجه سوم کتب دیگر خود استاد ابوریحان و در مرتبه چهارم کتب دیگر اهل فن و در مرحله پنجم قواعد مسلم فنی بوده است. و گاهی برای یک تصحیح تمام اقسام دلایل و قرائن را داشته و در حواشی نگاشته‌ام.

برخلاف بعضی مصححان که چون معنی کلمه در بادی نظر به ذهنشان نیامد فوراً آن را تحریف و به خیال خود جمله را حک و اصلاح می‌کنند، من نهایت کوشش و امانت را بر سر هر کلمه‌ای به کار برده و تا بالمره مایوس نشده‌ام از سر قدیمی‌ترین نسخ به دیگر نسخه‌ها و از دیگر نسخه‌ها به سایر قرائن و دلایل تصحیح نرفته‌ام.

بیشتر نسخه بدل‌های لازم را در فراویزها و باقی را به طوری که گفتم ملحق به کتاب نوشتم. و این کار را برای آن کردم که به عقیده من پر کردن حاشیه از نسخه بدل‌های مغلوط و غیرضروری جز حیرت و سرگردانی خوانندگان هیچ فایده‌ای ندارد و ضمناً خواستم که عقاید همه مصححان به قدر امکان در این کتاب رعایت شده باشد، هم متن را به روش صحیح و عقیده خویش تصحیح کرده و هم قدیمی‌ترین نسخه‌ها را مأخذ قرار داده و نسخه بدل‌های لازم را در

حواشی آورده و هم تمام اختلافات نسخ را ملحق به کتاب درج کرده‌ام.

هیچ کدام از مطالب این کتاب را بدون دقت و محاسبه و مراجعه به دیگر کتب استاد ابوریحان و مأخذ معتبر علمی ننوشته و از سر هیچ کلمه و عبارتی ناسنجیده نگذشته‌ام. چون خواستم که این کتاب از نظر علمی هم برای طالبانش مفید و سودمند باشد، هر کجا عبارات و مطالب کتاب را محتاج به توضیح دانستم به قدری که گنجایش داشت توضیح دادم و کتاب را در حقیقت هم تصحیح و هم شرح کردم تا خوانندگان با داشتن این کتاب از دیگر کتب مربوط به این فنون بی نیاز باشند.

باری در نتیجه چند سال کوشش و تحمل رنج و زحمت که شرح آن به قلم نمی‌آید، کتابی را در دسترس پژوهندگان دانش و فرهنگ نهادم که جامع‌ترین و صحیح‌ترین کتب فارسی مربوط به چند رشته از فنون ریاضی و هیات و نجوم است و اطمینان دارم که متن نسخه حاضر درست‌ترین و کامل‌ترین نسخ این کتاب می‌باشد و اگر عین چیزی نباشد که از زیر قلم استاد ابوریحان درآمده نزدیک‌ترین چیزها به نوشته خود استاد است....

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پاورقی:

۱- در کتاب تذکره السامع و المتکلم فی آداب العالم و المتعلم تألیف بدرالدین محمد کتانی متوفی ۷۳۳، فصلی مبسوط راجع به کیفیت استنساخ و تصحیح و مقابله کتب نوشته که مورد استفاده است. در کتب رجال و درایت نیز در کیفیت قرائت و سماع و اقسام روایت حدیث و کتاب از مشایخ مطالب سودمند نوشته‌اند.